



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 43
Summer 2025

Pages: 65-99

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.61753.2521

Received: 2024/07/04 Received in revised form: 2025/01/04 Accepted: 2025/01/15 Published: 2025/06/25

Research on the Coins of the Ilkhanate Era in the Museums of Sepah Bank, National Museum, Maragheh, and Zanzan

Masoud Bayat¹

Abstract

Historical studies can be conducted using various sources, among which coins minted by governments are considered some of the most significant. Coins serve as a medium for economic exchange and carry valuable political, religious, financial, artistic, and linguistic information. With the rise of the Ilkhanate, the scholarly value of coins in historiography was preserved, as Ilkhanid coins contain crucial insights into their relations—particularly with the Khāns based in Mongolia and China, as well as with semi-independent subordinate states like Armenia, Fārs, and Kermān. These coins provide valuable information on economic conditions, religion, language, naming conventions, the status of women, and other principles of governance, thereby filling gaps in historical texts. The main question of this research is: What historiographical information can be extracted from Ilkhanid coins? This study employs a descriptive-explanatory method, utilizing library resources and articles, while also relying on coins available in museums to examine the subject. The findings indicate that the Mongols, in their efforts to maintain political cohesion and foster synergy with the people of conquered territories, used Islamic symbols on coins to prevent political issues arising from changes in religious practices. Moreover, the study of coins in the aforementioned museums has challenged several previous assumptions regarding the nature of relations between various Ilkhans and the Khāns, Öljaitü's reversion from Shia Islam, the rationale behind the use of the Chinese language, and other related issues, while also introducing new perspectives.

Keywords: Mongols, Ilkhanate, Coins, Foreign Relations, Religion, Language.

1. Associate Professor, Department of History, University of Zanzan, Iran. Masoud.bayat@znu.ac.ir



Publisher: University of Tabriz

tabrizu.history2011@gmail.com



پژوهشی در سکه‌های عصر ایلخانی موزه‌های بانک سپه، ملی، مراغه و زنجان

مسعود بیات^۱

چکیده

مطالعات تاریخی از منابع گوناگون ممکن است صورت گیرد که سکه‌های ضرب‌شده توسط حکومت‌ها یکی از مهم‌ترین آن‌ها به‌شمار می‌روند. سکه‌ها نه تنها وسیله‌ای برای مبادله اقتصادی، بلکه حامل اطلاعات سیاسی، مذهبی، اقتصادی، هنری و زبانی نیز هستند. سکه‌ها در تاریخ‌نگاری دوره ایلخانان ارزش مطالعاتی بسیاری دارند زیرا سکه‌های این دوره حاوی اطلاعات ارزشمندی از روابط آنان به‌ویژه با قآن مستقر در مغولستان و چین و بعضی ایالات نیمه‌مستقل تابع آنان نظیر ارمنستان، فارس، کرمان، وضعیت اقتصادی، دین و مذهب، زبان، آداب نام‌گذاری، جایگاه زنان و برخی دیگر از اصول کشورداری هستند که در جای خود می‌توانند خلأهای کتاب‌های تاریخ‌نگاری در این زمینه را جبران نمایند. سؤال اصلی این پژوهش این است که از سکه‌های ایلخانی چه اطلاعات تاریخی‌نگارانه‌ای می‌توان استخراج کرد؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تبیینی ضمن بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌ها، با تکیه بر سکه‌های موجود در موزه‌ها، موضوع را بررسی کرده‌است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مغولان با هدف حفظ انسجام سیاسی و هم‌افزایی با مردمان قلمروهای فتح‌شده، از نمادهای اسلامی بر سکه‌ها استفاده کردند تا از بروز مشکلات سیاسی ناشی از تغییر شعائر جلوگیری کنند. علاوه بر این، مطالعه سکه‌های موزه‌های ذکرشده برخی از باورهای پیشین در خصوص نوع روابط هرکدام از ایلخانان با قآنان، برگشت اولجایتو از مذهب شیعه، فلسفه وجودی زبان چینی و تعدادی دیگر از این باورها را به چالش کشیده و نکات تازه‌ای را مطرح کرده‌است.

کلیدواژه‌ها: مغولان، ایلخانان، سکه، روابط خارجی، مذهب، زبان.



مقدمه

مغول‌ها به علت قرار نداشتن در مسیر راه‌های بازرگانی و عدم تمرکز سیاسی، با نظام ضرب سکه آشنایی نداشتند. با ظهور چنگیز و فتح سرزمین‌هایی در شرق و غرب مغولستان، وضعیت مغول‌ها تغییر یافت. آن‌ها بر برخی از مهم‌ترین راه‌های تجاری جهان دست یافته و در اثر هم‌نشینی با مللی که دارای حکومت‌های متمرکز بودند، میراث تمدنی آن‌ها را اقتباس کردند. ضرب سکه یکی از این عناصر است.

تاکنون در ایران چندین کتاب و مقاله درباره سکه‌های عهد ایلخانی به چاپ رسیده است: یکی کتاب سکه اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی، تألیف سیدجمال ترابی طباطبائی است. این کتاب سکه‌های موزه آذربایجان شرقی و سکه‌های اهدایی یک مجموعه دار را مورد بررسی قرار داده است. کتاب دیگر، سکه‌های ایران دوره ایلخانان مغول، اثر بهرام علاءالدینی است. این کتاب نیز سکه‌های موزه ملک را بررسی کرده است. کتاب سوم تألیف مسعود بیات است که سکه‌های چهار موزه سپه، ملی، زنجان و مراغه را بررسی کرده است. در خارج از ایران نیز مهم‌ترین کتاب چاپ شده، ایلخانیان، سکه‌های مغولان ایران، اثر عمر دلیر است. این کتاب که به بررسی سکه‌های ایلخانیان پرداخته، فاقد تصاویر واقعی سکه‌ها است و فقط نقاشی سکه‌ها را ارائه کرده است.

تفاوت اساسی مقاله حاضر با آثار پیش گفته، به ویژه سه اثر اخیر در این است که در این آثار فقط تصویر سکه‌ها، متن‌ها و نقوش روی آن‌ها آمده است درحالی که در این مقاله کوشش شده بیان شود که این متون و تصاویر چگونه به کار تحلیل‌های تاریخی می‌آیند.

در میان مقالات نیز دو مقاله در ارتباط با موضوع این مقاله به نگارش درآمده است؛ یکی با عنوان «مسئله و مبنای مشروعیت‌یابی ایلخانان براساس شواهد سکه‌شناسی با تأکید بر آیه ۲۶ سوره آل عمران» تألیف نیره دلیر و مجتبی خلیفه است و دیگری با عنوان «برهم‌کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی» اثر فرزاد فیضی و همکاران است. هر دوی این مقالات، مسئله مشروعیت را براساس سکه‌ها بررسی کرده‌اند. در مقاله حاضر، ضمن استفاده از اطلاعات این مقالات در موضوع مشروعیت، موارد متنوع دیگری ارائه شده‌اند. مضافاً اینکه مؤلفان مقالات فوق‌الذکر خود به موزه‌ها مراجعه نکرده و مقاله خود را براساس

سکه‌های منعکس‌شده در آثار تألیف کرده‌اند درحالی‌که مقاله حاضر با بررسی میدانی تمام سکه‌های ایلخانی موردپژوهش تألیف شده‌است.

همان‌طور که در عنوان آمده‌است این پژوهش مبتنی بر سکه‌های چهار موزه سپه، ملی، زنجان و مراغه است. علت انتخاب این موزه‌ها این بود که بیشترین محل نگه‌داری سکه‌های ایلخانی موزه‌های تهران به‌عنوان مرکز و زنجان و آذربایجان به‌عنوان پایتخت حکومت ایلخانان است. در میان موزه‌های تهران، سکه‌های ایلخانی موزه ملک توسط بهرام علاءالدینی در قالب یک کتاب جمع آوری شده‌است ولی سکه‌های دو موزه دیگر هنوز ارزش موزه‌ای داشته و موردپژوهش واقع نشده بودند. موزه آذربایجان نیز توسط ترابی طباطبائی موردپژوهش بوده‌است. بنابراین در انتخاب موزه‌های مذکور لزوماً تفاوت سکه‌های موجود آن‌ها با سکه‌های دیگر موزه‌ها مدنظر نبوده بلکه مورد پژوهش نبودن این موزه‌ها مدنظر بوده‌است.

همان‌طور که می‌دانیم که برای تحلیل‌ها و تبیین‌های تاریخی علاوه بر کتاب‌های تاریخ که نقش محوری دارند منابع کمکی دیگری نیز همچون زبان‌شناسی، ادبیات، یافته‌های باستان‌شناسی و سکه‌ها و نظایر آن وجود دارند که مورخان برای استحکام تحلیل‌های خود از آن‌ها نیز استفاده می‌کنند. بنابراین هدف این مقاله تأمین اطلاعات تاریخی مستخرج از سکه‌های موزه‌های موردپژوهش برای پژوهشگران مسئله‌محور است نه اینکه یک مسئله پژوهشی را از این سکه‌ها دنبال کند. فایده این کار در این است که بسیاری از پژوهشگران مسئله‌محور شاید فرصت و یا امکان دسترسی به این مجموعه‌ها را نداشته باشند.

یافته‌های تحقیق

۱. هولاکو

براساس متون تاریخی، هولاکو، اولین ایلخان ایران، موظف شده بود «رسوم و یوسون (سنت) و یاسای (قانون) چنگیز را در کلیات و جزئیات امور» رعایت کند (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/۸۶۶)، ولی در سکه‌ها هیچ نشانی از تبعیت او از دستور اشاره‌شده وجود ندارد و سکه‌های ضرب‌شده کاملاً مزین به شعائر اسلامی است.

نکته قابل‌ملاحظه بر روی سکه‌های عهد هولاکو این است که از ۹ ایلخان حاکم در

ایران، تنها در زمان او است که بر روی سکه‌ها نام قآن مستقر در مغولستان و یا چین ذکر شده‌است (تصویر ۱). قآن مذکور «منکو» است که در سکه‌ها «مونلکا» درج شده‌است. ولی جالب اینکه پس از مرگ منکو در سال ۶۵۵ق و جانشینی قوبیلای به جای وی، تا مرگ هولاکو در ۶۶۳ق همچنان نام منکو به جای قوبیلای در سکه‌های هولاکو آمده‌است (تصویر ۱).



تصویر ۱. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۶۶۳ق (بیات، ۱۴۰۰: ۴۰)

شاید به این دلیل که هولاکو خود را شایسته مقام قآنی پس از مرگ برادرش می‌دانست ولی تا او به قوریلتای برسد برادرش قوبیلای انتخاب شده بود (تصویر ۱).

البته از سال ۶۵۴ق یعنی در آغازین سال‌های مأموریت هولاکو نیز سکه‌هایی وجود دارد که نام دقیق قآن در آن نیامده‌است و عنوان کلی «قآن الاعظم» ذکر شده‌است (تصویر ۲).



تصویر ۲. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۶۵۴ق (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸)

در پشت تمام سکه‌های زمان او، شعائر اسلامی نظیر آیات قرآن و جمله شهادتین نقر شده‌است (تصویر ۲ و ۳).



تصویر ۳. سکه‌ای از دوره هولاکو در ۶۵۵ ق (بیات، ۱۴۰۰: ۲۰)

نکته قابل‌توجه اینکه در بخش اعظمی از سکه‌های زمان او قسمتی از آیه ۲۶ سوره مبارکه آل عمران که سلطنت و عزت را عطیه خداوندی دانسته نقر شده‌است. جالب این است که این شعار از ابتدای سلطنت او در سال ۶۵۴ قمری در روی سکه‌ها دیده می‌شود و مربوط به بعد از سقوط خلافت عباسی نیست. بدین معنی که اگر مربوط به بعد از سقوط خلافت بود، می‌شد ادعا کرد که مغولان خواسته‌اند با توجه به جنبه مشروعیتی که عباسیان در نزد اکثریت مسلمانان آن زمان داشتند چنین القا کنند که خداوند مصلحت دیده حکومت را از عباسیان ستانده و به آنان دهد، ولی چون این مسکوکات متعلق به آغاز مأموریت هولاکو در غرب است، می‌توان گفت هولاکو پیش از حمله، کاملاً به اوضاع و احوال اجتماعی حوزه مأموریت خود آگاه بوده و از ابتدا کوشیده حکومت خود را نه استیلائی، بلکه مشروع جلوه دهد. به‌ویژه اینکه می‌دانیم سابقه استفاده از این آیه مشروعیت‌بخش در سکه‌ها به خیلی پیش از زمان ایلخانان و به قرن سوم هجری قمری برمی‌گردد (دلیر و خلیفه، ۱۴۰۲: ۸۸). با توجه به انتخاب مراغه به پایتختی توسط هولاکو، اغلب مسکوکات بررسی‌شده، ضرب مراغه بودند و هیچ نمونه‌ای که ضرب تبریز باشد یافت نشد.

در میان سکه‌های ضرب‌شده عهد هولاکو و ارغون سکه‌هایی نیز وجود دارند که نام آتش‌خاتون در پشت سکه‌ها آمده‌است (نک. تصویر ۴ و ۵). معمولاً در روی سکه‌ها نام

ایلخان و در پشت سکه شعائر رایج آن زمان که در سکه‌های ایلخانی اغلب شهادتین است درج می‌شد. اینکه نام یک گماشته ایلخان در پشت سکه و بعد از شعائر دینی آورده شود بی‌سابقه است. آبش‌خاتون دختر سعد بن ابی‌بکر بن سعد زنگی و ترکان خاتون و آخرین اتابک از خاندان سلغریان که در سال‌های ۶۷۲-۶۶۲ هجری و ۸۳-۸۲ هجری، جمعاً به مدت ۱۱ سال، از سوی ایلخانان مغول، اتابک شیراز بوده‌است (بته‌کن، ۱۳۹۹: ذیل لغت ابش‌خاتون).



تصویر ۴. سکه دوره هلاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۸)



تصویر ۵. سکه دوره اباقا (بیات، ۱۴۰۰: ۵۷)

فلسفه این اختیار را دقیقاً نمی‌توان گفت. خواجه رشیدالدین می‌نویسد که در فارس، کرمان، گرجستان، ماردین و روم به‌نوعی رایج بود که نام پادشاه حاکم آورده نشود (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۲۹۵) شاید به این دلیل که برخی از این ایالات، در مرز ایلخانان با همسایگان مدعی این ایالات قرار داشتند و ایلخانان بنا به مصالح سیاسی می‌کوشیدند که با دادن برخی امتیازات غیرحساس، آن‌ها را در کنار خود نگه دارند تا تمایلی به دشمنان

نشان ندهند ولی همان‌طور که در این سکه‌ها دیده می‌شود نام ایلخان حاکم بر سکه‌ها وجود دارد ولی در پشت سکه، نام آبش‌خاتون نیز ذکر شده‌است، درحالی‌که موقعیت فارس این‌گونه نبود. شاید فلسفه آمدن نام او در پشت سکه، ناشی از جایگاه او در نزد هولاکو بوده باشد زیرا آبش‌خاتون عروس هولاکو بود و در نزد او حرمتی تمام داشت.

۲. اباقا

اباقا دومین ایلخان مغول است که از سال ۶۶۳ قمری لغایت ۸۰ قمری در ایران حکومت کرده‌است. شکست پدرش از ممالیک مسلمان، میراثی بود که او به هر قیمتی می‌خواست آن را جبران کند، بنابراین دست به دامان امپراتور روم شرقی شد و حتی دختر امپراتور را به عقد ازدواج خود درآورد. این کار به همراه تربیت او در دامان مادری مسیحی (دوقوزخاتون) منجر به تقویت مسیحیان ایران شد. این علاقه ایلخان به مسیحیان در سکه‌های او نیز نمودار شده‌است و اباقا اولین ایلخان مغولی ایران است که در سکه‌های او، تثلیث مسیحی ظاهر می‌شود. این شعار عبارت است از: «بسم الاب و الابن و روح‌القدس الاف قایل» (ترابی طباطبائی، ۱۳۵۳: ۱۸۱). ترابی طباطبائی چهارمین جزء این شعار را «الاف قایل» خوانده‌است که به احتمال زیاد درست نیست زیرا که این کلمات معنی ندارند به‌ویژه اینکه سکه‌هایی دقیقاً با همین شکل در دوره ارغون وجود دارند که جزء چهارم این شعار «الله واحد» درج شده‌است (تصویر ۶).



تصویر ۶. سکه دوره ارغون، سال ضرب ناخوانا (بیات، ۱۴۰۰: ۹۵)

متن روی سکه: نوشته‌ای به خط اویغوری، ارغون

متن پشت سکه: بسم الاب و الابن و روح‌القدس، الله واحد، علامت صلیب

نکته قابل ذکر اینکه اکثر سکه‌های ضرب شده عهد اباقا نامی از او ندارد بلکه با نام عمومی قآن العادل ضرب شده‌اند. ترابی طباطبائی این سکه‌ها را به جز یک مورد که به اباقا نسبت داده، بقیه را مربوط به قآن‌های بزرگ (اوگتای، منکو و قویلائی) دانسته‌است. موزه‌داران بانک سپه نیز، هم مربوط به قآن‌های بزرگ و هم مربوط به اباقا ذکر کرده‌اند. هیچ‌کدام از این افراد دلیلی برای این کار خود بیان نکرده‌اند. به نظر نگارنده این سکه‌ها نمی‌تواند مربوط به قآن‌های بزرگ مذکور باشد، زیرا این سکه‌ها در جغرافیای ایران و در شهرهایی چون تبریز، موصل، کازرون و ... ضرب شده‌اند و این می‌بایست مربوط به خود اباقا باشد. به‌ویژه اینکه روال قبل و بعد از عصر او یعنی عصر هولاکو و تگودار و بقیه نیز این گونه نیست. می‌شود حدس زد که این اقدام در راستای حذف تدریجی نام قآن از سکه‌ها بوده باشد، منتهی با زیرکی، به‌طوری که بخواهند موضع قآن‌ها را نسبت به این تغییر تدریجی بسنجند. زیرا در سکه‌های ضرب شده عنوان «قآن العادل» آمده بود و قطعاً با رواج این سکه‌ها در منطقه، عنوان فوق را حمل بر خود اباقا می‌کردند و اگر گزارش‌هایی نیز توسط مخالفان به قآن‌ها می‌رسید، اباقا به راحتی می‌توانست توجیه کند که سکه‌ها نه به نام اباقا بلکه به نام خود قآن ضرب شده‌است.

نکته دیگر در سکه‌های عهد اباقا ظهور زبان اویغوری در آن‌ها است. اویغورها اقوام متمدن ترکی بودند که خط داشتند و چون مغول‌ها فاقد خط بودند خط آنان را اقتباس کردند (بارتولد، ۱۳۷۶: ۶۳). این خط از این زمان تا پایان حکومت ایلخانان، به استثنای عهد اولجایتو در سکه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. به عقیده برخی پژوهشگران ظهور نوشته‌های اویغوری در سکه‌های ایلخانی در راستای مقبولیت‌یابی نزد اشراف‌زادگان این قوم بوده‌است (فیضی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۹).

نکته جالب اینکه از روی کار آمدن اباقا تا احمد تکودار در سکه‌های مجموعه‌های موردبررسی این پژوهش، سکه‌ای که در آن آیه ۲۶ سوره آل عمران مبنی بر «اعطای سلطنت توسط خداوند به هرکسی که می‌خواهد» یافت نشد.

۳. تگودار

تگودار، سومین ایلخان ایران و اولین ایلخان مسلمان است. نکته قابل توجه اینکه در سکه‌های باقی‌مانده از او هیچ نشانی به جز انعکاس نام اسلامی او یعنی احمد از این تغییر دین دیده نمی‌شود، بدین معنی که روال گذشته ضرب سکه که در ایام ایلخانان نامسلمان بود همچنان ادامه دارد.

نکته درخور توجه در سکه‌های زمان احمد، ظهور مجدد آیه ۲۶ سوره آل عمران است. این آیه حکومت را عطیه خداوند می‌داند که آن را به هر کسی که اراده کند می‌دهد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تگودار مسلمان شد، وی در بین شعارهای درج شده بر روی سکه‌ها بهترین شعار را برای توجیه سلطنت خود همین دید. یک تفاوت سکه‌های ضرب شده عهد احمد نسبت به ایلخانان قبلی این است که در پشت برخی سکه‌های عهد او، نام احمد ذکر شده است (تصویر ۸) و این کاملاً خلاف رویه ایلخانان قبل از او بود، زیرا نام ایلخان بر روی سکه نمی‌آمد. البته پس از احمد به‌ویژه از زمان گیخاتو نیز سکه‌هایی وجود دارند که در پشت آن‌ها نام ایلخان نیز ذکر شده است.



تصویر ۷. سکه دوره تگودار، سال ضرب ۶۸۰ ق (بیات، ۱۴۰۰: ۷۶)

۴. ارغون

ارغون، چهارمین ایلخان ایران است. در زمان او به علت نفوذ بیش از حد روحانیون بودایی، محدودیت‌های زیادی برای مسلمانان ایجاد شد. در سکه‌های ارغون علی‌رغم ستیز عمومی او با اسلام، جمله «علی ولی الله» ضرب شده است (تصویر ۹). گفته شده مربی

ارغون، شیعی‌مذهب بوده‌است (میرخواند، ۱۳۸۰: ۴۱۷۳)، و شاید تحت تأثیر او بوده که ارغون تمایل به شیعه‌دوستی نشان داده‌است. برخی‌ها بر این عقیده‌اند که اقدام ارغون سیاسی بوده، زیرا او با اسلام که نماینده اکثریت آن سنی بودند مخالفت می‌ورزیده و به همین سبب به شیعیان به‌عنوان رقیب آنان نزدیک شده‌است (ترکمنی‌آذر، ۱۳۹۰: ۲۸۱).



تصویر ۸. سکه دوره ارغون، سال ضرب ناخوانا (بیات، ۱۴۰۰: ۹۸)

تفاوت شاخصی که در سکه‌های عهد ارغون در قیاس با گذشته وجود دارد کثرت استفاده از خط اویغوری است. شاید به دلیل نفوذ روحانیون بودایی در دربار او باشد که مروج خط و فرهنگ اویغوری در دولت او بودند. همچنین در سکه‌های ارغون در قیاس با دیگر ایلخانان، تصاویر مختلفی از حیوانات نظیر شیر و پرنده که برخی آن را نشانه نفوذ هنر چینی و بودایی در ایران دانسته‌اند، دیده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۵۱: ۳۶؛ سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۵) (تصویر ۱۰ و ۱۱).



تصویر ۹. سکه دوره ارغون، دارای تصویر پرنده و ماه و ستاره (بیات، ۱۴۰۰: ۹۲)



تصویر ۱۰. سکه دوره ارغون، ضرب ۶۸۵ق، دارای تصویر گاو شاخ‌دار در حالی که انسانی در زیر آن در حال دوشیدن است (بیات، ۱۴۰۰: ۸۶)

لازم به ذکر است که در سکه‌های ایلخانی به هیچ وجه تصویر پادشاه زمان ضرب نشده است. می‌توان حدس زد علت این کار شاید به جهت تحریم تصویر صورت در اسلام بوده باشد. درست است که مغولان برای مدتی طولانی مسلمان نشدند، ولی همان طور که قبلاً ذکر شد در ضرب سکه سخت پایبند عرف محلی بودند. در معدودی از سکه‌ها که تصاویر انسانی وجود دارد، تصاویر عمومی هستند و بیانگر ایلخان یا شخص خاصی نیست.

در تعداد کمی از سکه‌های عهد ارغون به جای شعائر اسلامی، شعائر مسیحی درج شده است. برای مثال سکه‌ای که پشت آن بسم الاب و الابن و روح القدس، الله واحد و علامت صلیب وجود دارد (تصویر ۱۲). جمله «الله واحد» که خلاف رویه سکه‌های ضرب شده دنیای مسیحیت است چنین می‌نماید که این سکه در کلی‌های مسیحی که در قلمرو اسلامی بوده‌اند ضرب شده باشد تا ضمن ضرب سکه با شعائر مسیحی، کمترین حساسیت در جامعه‌ای با اکثریت مسلمان را برانگیزد. کمالینکه خواجه رشیدالدین می‌نویسد در گرجستان تا عهد غازان، شعائر اسلامی را بر روی سکه‌ها درج نمی‌کردند (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۲۹۶).



تصویر ۱۱. سکه دوره ارغون (بیات، ۱۴۰۰: ۹۵)

نکته درخور ملاحظه در سکه‌های عهد ارغون وجود سکه‌ای است که در کازرون ضرب شده‌است. جالب است که در پشت این سکه، نام ابواسحاق درج گردیده‌است (تصویر ۱۳). سال ضرب سکه ۶۸۷ قمری است. البته همان‌طور که قبلاً دیدیم سکه‌های ضرب‌شده در قلمرو حکومت آتش‌خاتون، نام او را داشت ولی می‌دانیم که آتش‌خاتون در سال ۶۸۴ قمری کشته شد و بعد از مرگ او و با چند ایلخان فاصله در سال ۷۱۹ قمری حکومت شیراز از طرف ابوسعید آخرین ایلخان به دختر او کردوجین واگذار شد. در این فاصله سکه‌هایی که در کازرون ضرب می‌شوند به نام ابواسحاق ضرب می‌شوند. شیخ ابواسحاق کازرونی (ح. ۳۵۲-۳۲۶ ق) بنیان‌گذار سلسله کازرونی و صوفی نامدار قرن چهارم هجری است. او در ترویج دین اسلام در کازرون نقش مهمی داشت. به ابواسحاق کازرونی، شیخ غازی نیز اطلاق می‌شود زیرا با زرتشتیان پی‌درپی جنگید (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۶). انگار در فارس و کرمان و ابرقو بعد از آتش‌خاتون چنین رسم بوده که در دوره‌هایی که شخص صاحب‌نامی در رأس حکومت این مناطق وجود نداشته یا شخص حاکم می‌خواسته به نفوس مشایخ توسل جوید در پشت سکه، نام ابواسحاق و سایر مشایخ مورداحترام را می‌آورده‌است. مراد از ابواسحاق، هم کازرون به‌عنوان محل ضرب است و هم توسل به نام مشایخ برای بهره‌مندی از نفوس آنان.



تصویر ۱۲. سکه دوره ارغون، ضرب ۶۸۷ ق، نام ابواسحاق در سکه دیده می‌شود
(بیات، ۱۴۰۰: ۹۰)

علی‌رغم تعصب ارغون در دین بودایی می‌توان گفت در سکه‌های او نشانی از این تعلق وجود ندارد. پژوهشگران فقط یک سکه را که در آن نقش طاووس است حمل بر گرایش بودایی او کرده‌اند. طاووس در آیین بودا، نماد توانایی فرد در مصرف یا جذب بسیاری از سمومی است که در زندگی روزمره به‌وجود می‌آید، اما درعین‌حال می‌تواند مسیر خود را در سفر به‌سوی روشنگری حفظ کند (بیروتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۹). البته همان‌طور که گفته شد این فقط یک تفسیر است، زیرا طاووس از ایران باستان بر روی برخی آثار هنری ازجمله سکه‌ها نقش می‌بسته‌است (رنجبر، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸).

به نظر می‌رسد اگر سکه‌ای از دوره ارغون را نشان انعکاس شعائر بودایی در سکه‌های او بدانیم سکه‌ای است که نقش میمون در آن ضرب شده‌است (تصویر ۱۴). سایر نمادهای به‌کاررفته در سکه‌های عهد ارغون نظیر شیر و خورشید و گاو، در ایران بی‌سابقه نبوده و از گذشته دور مرسوم بوده‌است. ولی تقریباً یقین است که میمون در هیچ زمانی، بومی ایران نبوده‌است درحالی‌که در اساطیر تبتی، آنان میمون را نیای خود می‌دانند و او را در مقام بودا ستود یا مظهر بودا، که موجودات کامل را به نیروانه یا کمال می‌رساند، ستایش می‌کنند.



تصویر ۱۳. سکه‌ای از دوره ارغون (بیات، ۱۴۰۰: ۱۱۴)

در فرهنگ چینی میمون مشهورترین حیوانی است که به داستان‌های چینی راه یافته‌است. این حیوان قهرمان اصلی داستان سی یوجی از داستان‌های مشهور چینی است. سی یوجی گزارشی است از سفر «سوان زانگ» به بهشت غربی (هند) که به دستور خاقان و در جستجوی نسخه اصلی آثار بودایی به زادگاه بودا انجام گرفته‌است (کریستی، ۱۳۷۳: ۲۰۶). در پایان این سفر میمون نیز به علت همراهی قهرمان این داستان به نیروانا (روشنگری) دست می‌یابد (همان: ۲۱۶).

۵. گیخاتو

گیخاتو پنجمین ایلخان ایران است. بعد از تولد، بخشیان برای طول عمر و بقای رفعت، به او لقب «ایرنجین تورجی» دادند (آیتی، ۱۳۴۶: ۱۵۸). ایرنجین تورجی به معنی مروارید درخشان است (Diler, 2006: 325). این نام را رشیدالدین، ایرنجین دورجی می‌نویسد. با توجه به سنت مغولان، حتی مغولان امروز، مبنی بر ارتباط نام با رخدادی در هنگام تولد، بعید نیست که این نام نیز با مروارید مناسبت داشته باشد. این نام تقریباً بر روی بیشتر سکه‌های عهد گیخاتو ضرب شده‌است. تنها تحول مهم در نظام پولی عهد او، جایگزینی موقتی چاو (پول کاغذی) به جای سکه بود. البته مردم از پذیرش آن خودداری کردند و عمر آن به بیش از هفت روز نرسید (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۱۰۵۷/۲). جالب است که چون ایرانی‌ها، تصور روشنی از ظاهر چاو نداشتند آن را به سبک و سیاق سکه آراستند، بدین ترتیب که پیرامون آن چند کلمه خطایی و بر بالای آن از دو طرف لاله الا الله و محمد رسول الله

نوشته و پایین آن لقب مغولی گیخاتو ایرنجین تورجی را درج کردند (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۲).

نکته قابل توجه دیگر در سکه‌های ضرب کرمان عهد گیخاتو، درج نام پادشاه‌خاتون همسر گیخاتو در سکه‌ها است. پادشاه‌خاتون پنجمین زن گیخاتو است. او دختر قطب‌الدین حاکم قراختائی کرمان است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۰۴۹). نکته عجیب این سکه‌ها در این است که نام پادشاه‌خاتون برخلاف رویه سابق که در مورد آبش‌خاتون فارس دیدیم به جای پشت سکه، بر روی سکه درج شده است (تصویر ۱۵).



تصویر ۱۴. سکه دوره گیخاتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۲)

با مطالعه در تاریخ قراختائیان کرمان می‌توان دلیل انعکاس نام پادشاه‌خاتون را در کنار نام ایلخان حدس زد. همان‌طور که می‌دانیم از همان ابتدای بنیان‌گذاری حکومت قراختائیان رقابت شدیدی بین مدعیان حکومت از این خاندان شکل گرفت که در همه موارد پیروزی از آن کسی بود که در دربار ایلخانی حامیان بیشتر و پرنفوذتری داشت و در این میان زنان قراختائی که در حرم ایلخانان بودند نقش مؤثرتری ایفا می‌کردند (برای مطالعه بیشتر رک. روستا، ۱۳۹۵). پادشاه‌خاتون یکی از این زنان بود که نقش فوق‌العاده مؤثری در جابه‌جایی یا تثبیت قدرت در کرمان داشت. او ابتدا به ازدواج اباقا دومین ایلخان ایران درآمد و ظاهراً در پیش اباقا، مقامی بس ارجمند داشت و اباقا او را بر سایر همسران خود ترجیح می‌داد (وصاف، ۱۳۳۸: ۳ / ۲۹۱) و حتی او را در جایگاه مادر خود گماشت (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲ / ۷۲۹) با وجود این همه نفوذ، او در عهد احمد، قربانی توطئه‌های دیگر افراد بانفوذ در دربار ایلخانی شد و با اینکه موفق شد حکومت کرمان را به صورت شراکتی با برادرش جلال‌الدین

سیورغتمش به‌دست آورد ولی به اجبار همان رقبا به عقد ازدواج گیخاتو درآمد و با اعزام به روم، از این آرزو محروم شد و زمانی که گیخاتو به جانشینی ارغون انتخاب شد، او که همواره در آرزوی حکومت کرمان بود به این آرزوی خود رسید و گیخاتو او را به حکومت کرمان منصوب کرد (منشی کرمانی، ۱۳۶۲: ۶۳) و چون رقبای بسیار سرسختی از جمله کردوجین، همسر برادرش جلال‌الدین داشت با آوردن نام خود بر روی سکه و در کنار نام ایلخان خواست جایگاه خود را به رقبا نشان داده و اعلام نماید که از دسیسه و توطئه‌چینی دست بکشند.

۶. بایدو

بایدو ششمین ایلخان ایران که بیش از ۸ ماه حکومت نکرد مسیحی بود ولی با مسلمانان نیز به‌خوبی رفتار می‌کرد (اقبال‌آشتیانی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). با توجه به حکومت کوتاه او و سپری شدن آن به درگیری‌های نظامی، تحول خاصی در ضرب سکه عصر او دیده نمی‌شود. با این توضیح که اگر در سکه‌های ایلخانان سابق تنوعی جزئی در شاعر و یا اشکال رو و پشت سکه‌ها دیده می‌شود، در سکه‌های عهد بایدو شکل ثابتی به شرح زیر وجود دارد: در روی سکه نام و القاب بایدو به خط اوینغوری و در انتهای آن به خط فارسی بایدو نوشته شده‌است. در پشت همه سکه‌ها نیز شعار لاله الا الله محمد رسول‌الله درج شده‌است (برای نمونه تصویر ۱۶).



تصویر ۱۵. نمونه سکه بایدو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۸)

۷. غازان

هفتمین ایلخان ایران، کار خود را با اسلام آغاز کرد. غازان در نخستین قدم مسلمان شد. در علت اسلام آوردن او برخی‌ها بر این عقیده بودند که او به سعی و اهتمام برخی امرا، مسلمان شده‌است، ولی خواجه رشیدالدین این فرض را رد می‌کند و می‌نویسد او پس از تحقیق و تفحص و رسیدن به حقایق دین اسلام مسلمان شده و اسلام او نه سیاسی، بلکه کاملاً صادقانه بوده‌است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۱۰۶-۱۱۰۸). دشمنان غازان نیز اسلام او را سیاسی می‌دانستند. در نامه‌ای که سلطان مصر خطاب به او نوشته، چنین آمده‌است: «ولی بدان که نیروی بزرگی نداری که بر ما پیروز شوی، پس به حيله و نیرنگ پرداختی و به‌ظاهر مسلمان شدی تا لشکریان ما از جنگ با تو امتناع کنند؛ زیرا جنگ کردن با مسلمان جایز نیست» (الشریده، ۱۳۸۴: ۳۰).

اقدام دیگر غازان، ایجاد یک رشته اصلاحات در حوزه‌های مختلف است. یکی از این اصلاحات در حوزه ضرب سکه و عیار آن بود. خواجه رشیدالدین، تاریخ‌نگار دوره مغول، اشکالات ضرب سکه تا عهد غازان را به شرح زیر برمی‌شمارد:

۱. ضرب سکه در ایالات تابع نظیر روم، فارس، کرمان، گرجستان و ماردین به نام سلاطین محلی آنان صورت می‌گرفته‌است. این اظهارنظر به آن معنا است که در سکه‌های این مناطق نام ایلخان نمی‌آمده‌است.

۲. اختلاف عیار سکه در قلمرو واحد امپراتوری، به‌طوری‌که بازرگانان به‌جای سکه با پارچه معامله می‌کردند و همین موجب نایاب شدن پارچه در برخی مناطق شده بود.

غازان در تدبیر این کار، ابتدا سکه‌ای با نام خدا و پیامبر(ص) و با نقش و نشانی که کس نتواند آن را تقلید کند ضرب کرد. در گرجستان نیز که هرگز سکه آنجا به نام خدا و حضرت محمد(ص) نبود، ناگزیر از این نوع سکه ضرب کردند. بدین ترتیب در همه ممالک، ضرب یک نوع سکه زر و نقره مقرر شد. در عیار زر و نقره سکه‌ها نیز غازان خان قاعده‌ای تعیین کرد، چنان‌که پس از یک سال در هیچ‌جایی زر کم‌عیار پیدا نمی‌شد. چنین مشهور شده بود که چون در روزگار مغول جامه‌های زربفت را به هندوستان صادر می‌کنند، زر کم شده‌است،

اما اکنون همه معاملات با سکه طلا صورت می‌گیرد. غازان خان فرمود سکه نقره را نیز به وزن خرج کنند یعنی سه مثقال به یک دینار رایج تا هیچ‌کس از راه تزویر و فریب، کنار سکه‌ها را نتراشد. به این ترتیب سکه و خطبه تمام قلمرو ایلخان به نام غازان خان شد (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۲۹۵-۱۲۹۹).

غازان نخستین ایلخان مسلمان است که رسماً شیعه شد. او قصد داشت که این تصمیم را با تغییر خطبه و سکه به نام ائمه، عملی سازد ولی خواجه رشیدالدین وزیر، او را به این دلیل که این تغییر موجب همدلی مسلمانان سنی مذهب ایران با سلطان ممالیک می‌شود، از این کار منع کرد. غازان علت شیعه‌دوستی خود را از خوابی می‌دانست که دیده بود. در این خواب، پیامبر اسلام (ص) بین او و فرزندانش، حسن و حسین (ع)، پیوند برادری برقرار کرده‌است (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/ ۱۲۰۳-۱۲۰۴). نکته درخور اهمیت در ضرب سکه‌های غازانی این است که او علی‌رغم تمایلات شیعی، هیچ اقدامی برای نشان دادن این تعلق انجام نداد. تنها سکه‌های منقور به نام ۱۲ امام شیعه در دوره غازان، ضرب سکه‌های صدمثقالی است. این سکه‌ها به عنوان مدال به بزرگان اهدا می‌شد و کاربرد عمومی نداشت (همان: ۱۲۹۸). نکته دیگر اینکه، رشیدالدین می‌نویسد غازان دستور داد در ضرب سکه‌ها و نوشتن نامه‌ها، جمله «بسم الله» قید شود. در سکه‌های مورد مطالعه این پژوهش، این کلمه نه به عربی بلکه به اویغوری نوشته شده‌است. با این توضیح که در سکه‌های ضرب شده عهد هولاکو در موصل نیز سکه‌هایی وجود دارند که در آن بسم الله وجود دارد. تحول مهم ناشی از تغییر دین، در سکه‌های دوره غازانی، افزوده شدن القاب دینی، نظیر مظفرالدین به مجموعه القاب ایلخانان است، با این تفاوت که این لقب دینی نه بر روی سکه، بلکه در پشت سکه آمده‌است (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۶. سکه دوره غازان (بیات، ۱۴۰۰: ۱۶۰)

تغییر نام در میان مغولان رایج بود و یکی از علل آن، تغییر دین بود. غازان نیز پس از مسلمان شدن نام خود را به محمود تغییر داد و این تغییر تقریباً در تمام سکه‌های ضرب دوره حکومت او منعکس است (تصویر ۱۸). مهم‌ترین تغییر ایجادشده در خطوط به‌کاررفته بر سکه‌های این دوره، ظهور خط چینی است. فلسفه دقیق آن مشخص نیست. برخی بر این باورند که این کار به‌منظور جلوگیری از تقلب بوده‌است (سرافرازی، ۱۳۸۹: ۵۴)؛ به نظر نگارنده این فرض بعید به‌نظر می‌رسد زیرا حروف چینی روی سکه‌ها بیش از چند حرف نیستند و امکان جعل آن زیاد سخت نبوده‌است. به‌نظر می‌رسد با توجه به آشنایی نسبی غازان با خط و زبان اویغوری، چینی، عربی و حتی لاتینی (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۲/۱۱۸۴) این هدایت توسط شخص او به‌منظور متفاوت بودن سکه‌های او با ایلخانان دیگر صورت گرفته باشد.



تصویر ۱۷. سکه دوره غازان، ضرب سال ۷۰۰ ق (بیات، ۱۴۰۰: ۱۴۵)



تقریباً تمام پژوهشگران حوزه ایلخانی با بهره‌گیری از سکه‌های این عصر مدعی شده‌اند که غازان نخستین کسی است که استقلال خود را از قآن مستقر در چین اعلام کرده‌است. بخشی از ادعاها عبارت‌اند از: «چنان‌که مشهور است جلوس غازان خان بر تخت ایلخانی فصل تازه‌ای در مناسبات ایلخانان با خان بزرگ بود؛ زیرا او آشکارا تعلق قلمرو ایلخانی به قآن را نادیده گرفت» (اِشپولر، ۱۳۹۷: ۹۶؛ اقبال، ۱۳۶۵: ۲۵۹؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۴۶۶).

یکی از نشانه‌های استقلال سیاسی حکومت ایلخانی از دستگاه خان بزرگ را می‌توان در تغییر عبارات روی سکه‌ها مشاهده کرد. تا سال ۶۹۴ هجری بر روی سکه‌های ایلخانان نام خان بزرگ با کلمه «قآن» و اغلب «قآن الاعظم» به نشانه شناسایی فرمانروایی قآن در ایران ضرب می‌گردید، اما غازان خان برای نخستین بار لقب قآن را برای خود به کار برد و به این ترتیب استقلال‌طلبی‌اش را آشکار نمود. او بر روی برخی از سکه‌های خود، عنوان «سلطان الاعظم غازان» را به کار برد (اِشپولر، ۱۳۹۷: ۲۷۲-۲۷۳).

با مذاقه در سکه‌های موزه‌های مورد مطالعه چنین برداشت می‌شود که اقدام به حذف نام قآن از سکه‌ها به دست غازان متکی به یک تلاش زیرکانه از عهد هولاکو است و نمی‌توان تمام افتخار آن را به نام غازان ثبت کرد. اصولاً براساس یک نقل‌قول از جوینی: «هرکس که بر تخت خانی نشیند یک اسم درافزایند: خان یا قآن و بس. زیادت از آن ننویسند» (جوینی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). جوینی تصریح نمی‌کند که خان بزرگ را قآن و خان‌های پایین‌تر را خان می‌گویند، بنابراین می‌شود تصور کرد چندان حساسیتی روی کاربرد این عناوین نبوده‌است. به عبارتی می‌شود قآن را به غیر خان بزرگ نیز به کار برد، چنانچه در برخی از سکه‌های ضرب‌شده عهد هولاکو، قآن برای هولاکو نیز به کار رفته‌است. در این سکه‌ها این نوشتار دیده می‌شود: «قآن الاعظم مونلکا قآن هولاکو خان» (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸. سکه دوره هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۳۰)

شاید برخی ادعا کنند صفت قآن بار دیگر بعد از اسم مونلکا برای او تکرار شده‌است، به عبارتی قآن دوم نیز به خود منکو برمی‌گردد، ولی واقعیت این است در هیچ‌کدام از سکه‌های بعد هولاکو پس از لقب قآن الاعظم، کلمه قآن تکرار نشده، بلکه القاب و نام ایلخان آمده‌است. به همین سیاق در اینجا نیز می‌توان گفت قآن اشاره به هولاکو دارد. حتی سکه‌ای از هولاکو وجود دارد که بر روی آن آمده‌است: قآن الاعظم مونلکا قآن هولاکو خان ایلخان قآن الدهر خلد ملکها. هرطور به آن بنگریم، قآن دوم به منکو بر نمی‌گردد (نک. تصویر ۲۰).



تصویر ۱۹. سکه دوره هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۲)

به نظر می‌رسد اولاً حساسیت آن‌چنانی در میان خان‌های بزرگ مبنی بر ذکر نامشان بر روی سکه‌ها وجود نداشته بلکه بیشتر به تابعیت عملی اهمیت می‌دادند. با وجود این، با توجه به نوع مناسبات رقابت‌آمیزی که بین ایلخانان ایران و جغتائیان ماوراءالنهر و اردوی زرین وجود داشت، حفظ ظاهر تابعیت از قآن به مصلحت ایلخانان بود. بنابراین هولاکو از همان

زمان خود زیر کانه کوشید با ضرب سکه‌هایی که نام منکو در آن حذف شده و صرفاً به نام قآن الاعظم اکتفا شده بود، دو مقصود را پیش برد: اولاً در هر صورت اگر شیطنتهایی شد و گزارش‌هایی به قآن رسید که نامش حذف شده، او می‌توانست ادعا کند که نام قآن در اول سکه و قبل از نام ایلخان ذکر شده‌است، از طرفی به‌نظر نمی‌رسد گنجاندن نام قآن در سکه‌ها از نگاه مردم ایران با میزان اندک اطلاعاتی که از نوع روابط ایلخانان با قآن داشتند حمل بر قآن مستقر در چین شود، بلکه آن‌ها همین عنوان را هم لقب ایلخان می‌پنداشتند. اخلاف هولاکو نیز همین شیوه را در ضرب سکه پیش گرفتند تا اینکه ایلخانی به غازان رسید. زمانی که او به قدرت رسید یک سال از مرگ قآن قویلای گذشته بود و او با ارزیابی‌ای که از تحولات چین داشت چنین می‌پنداشت که حتی به حفظ ظاهر سابق نیز لزومی نیست. البته سکه‌هایی از عهد گیخاتو نیز وجود دارند که در روی آن لقب قآن نیامده‌است، برای مثال سکه‌ای که در روی آن آمده‌است: گیخاتو پادشاه جهان خداوند عالم پادشاه خاتون (تصویر ۲۱).



تصویر ۲۰. سکه دوره گیخاتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۳۲)

از طرفی از عهد خود غازان سکه‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهند غازان علی‌رغم اتخاذ رویه حذف لقب قآن، از جاده دوراندیشی خارج نشده، چراکه از او سکه‌هایی باقی مانده‌است که علی‌رغم نداشتن نام قآن به‌نوعی اشاره به قآن دارند، ازجمله این سکه که در روی آن نوشته: «پادشاه جهان السلطان الاعظم غازان محمود خلدالله ملکه» (تصویر ۲۲). این سکه را با سکه‌ای از عهد اباق‌خان مقایسه کنید که در آن نوشته شده «قآن پادشاه عالم ایلخان الاعظم اباق‌خان» (تصویر ۲۳).



تصویر ۲۱. سکه دوره غازان (بیات، ۱۴۰۰: ۱۵۸)



تصویر ۲۲. سکه دوره اباقاخان (بیات، ۱۴۰۰: ۴۸)

در سکه غازان فقط کلمه قآن حذف شده و به راحتی می‌توان در صورت نیاز پادشاه عالم را به قآن نسبت داد. به‌ویژه اینکه در هیچ کدام از سکه‌های مورد مطالعه این پژوهش برای ایلخانان ایران پادشاه جهان نیامده است، یعنی شمول حکومت آنان در هیچ کدام از سکه‌ها شامل جهان نمی‌شود و فقط برای قآن است که لقب پادشاه جهان ذکر می‌شود. در میان ایلخانان ایران تنها در عهد اولجایتو است که هیچ نشانی معطوف به قآن دیده نمی‌شود.

۸. اولجایتو

اولجایتو هشتمین ایلخان ایران است. وی تحت تأثیر همسر مسلمانش به اسلام روی آورد و به مذهب حنفی گرایید. با بروز رقابت بین پیروان مذهب حنفی و شافعی، علمای هر دو مذهب در حضور سلطان، مذهب رقیب را به بدترین وجهی تخریب می‌کردند. اولجایتو

به‌مرور به هر دو مذهب بدبین شد و نهایتاً از هر دو روی گرداند و برای مدتی به مذهبِ آباواجدادی خود بازگشت. برخی صاحب‌نفوذهای شیعه از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کرده و او را به مذهب تشیع درآوردند. اولجایتو دستور داد سکه و خطبه را به نام ۱۲ امام برگردانند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۰۰). سکه‌های ضرب‌شده این تحول را باز می‌نمایانند، به‌طوری که از سال ۷۰۹ ق شاهد ظهور نام ۱۲ امام در سکه‌ها هستیم (تصویر ۲۴).



تصویر ۲۳. سکه دوره اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۶۹)

بیشتر سکه‌های او نام ائمه را دارند ولی سکه‌هایی نیز هستند که در آن شعار علی ولی‌الله ضرب شده‌است (تصویر ۲۵)



تصویر ۲۴. سکه دوره اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸۹)

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد اعلام مذهب تشیع ایلخان با واکنش جامعه سنی مذهب مواجه شد و در برخی شهرها به‌ویژه اصفهان، شیراز و بغداد ناآرامی ظهور کرد (ابن بطوطه، ۱۴۰۷ ق: ۱/ ۲۱۵-۲۱۶) و از همین‌رو اولجایتو شدت پیشین در پیشبرد تشیع را کنار گذاشت.

همین مسئله موجب شده برخی بر این باور باشند که او از مذهب تشیع بازگشته‌است (وصاف، ۱۲۶۹ق: ۱/ ۶۱۶). مثلاً شبانکاره‌ای در مجمع‌الانساب می‌نویسد: «چون مذهبی محدث بود، اهالی بلاد از آن تمرّد نمودند و قبول نکردند و در هر شهری غلوی کردند. بیم بود که فتنه بزرگ برخیزد. این معنی باز نمودند و خواجه رشیدالدین تقریر کرد که اگر پادشاه شیعه مذهب باشد و رعایای او بر مذهب اهل سنت و جماعت، این کار راست نیاید. پادشاه باز دانست که اگر این مذهب شایع می‌توانست کرد، در دوره خلفا شایع شد، از آن مذهب بازگشت» (شبانکاره‌ای، ۱۳۷۶: ۲۷۳) ولی سکه‌ها این مطلب را تأیید نمی‌کنند، به‌طوری‌که از سال ۷۱۶ق، سال مرگ اولجایتو، سکه‌هایی در دست است که همچنان منقور به نام ۱۲ امام شیعه امامیه و شعار علی ولی‌الله است (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۵. سکه دوره اولجایتو، ضرب بغداد (بیات، ۱۴۰۰: ۱۸۱)

به‌نظر می‌رسد که در گزارش فوق، سنی بودن شبانکاره‌ای تأثیرگذار بوده، زیرا اولاً او می‌نویسد که شیعه شدن اولجایتو و ضرب سکه به نام ائمه، دو سه روزی بیشتر دوام نیاورد، درحالی‌که همان‌طور که دیدیم ضرب سکه به نام دوازده امام تا ۷۱۶ق، سال مرگ او، ادامه یافت. از طرفی، از فحوای جملات به‌کاررفته در مورد تشیع که «حادث» بوده و اگر قدرت شیوع داشت در زمان خلفای راشدین شیوع می‌یافت به‌خوبی می‌توان به نگاه او به تشیع پی برد. اصولاً در این حرف تناقض است که چطور می‌توان به مذهبی حادث گفت و بلافاصله در جمله بعدی سابقه آن را به خلفای راشدین رساند؟ از طرفی دیگر همان‌طور که در مبحث مربوط به غازان گفتیم خواجه رشیدالدین، غازان را از این کار بازداشت نه اولجایتو را. نکته درخور توجه دیگر در سکه ضرب‌شده سال ۷۱۶ قمری ذکر نام امامان با القابشان است

درحالی که در سکه‌های قبل آن صرفاً نام ایشان آمده بود. در این سکه (تصویر ۲۶) که ضرب بغداد است برای امام مهدی لقب سیف‌الحجه (ع) به کار رفته است که به نظر نگارنده نشان‌دهنده تکامل اعتقاد به تشیع در نزد اولجایتو است. عباس اقبال در کتاب *تاریخ مغول* در تأیید این باور اشتباه می‌نویسد: «چون سلطان محمد خدابنده طبعی سالم داشت و چندان متعصب نبود بعد از قبول مذهب تشیع، به عللی از جمله مقاومت اهالی برخی شهرها و علما، از حرارت اولیه خود در طرفداری از تشیع کاست و در اواخر عمر دوباره امر داد که نام خلفا را در سکه و خطبه بیاورند» (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۲۹). درحالی که بر سکه‌های موزه‌های مورد مطالعه هیچ سکه‌ای در بازه زمانی ۷۰۹ قمری تا ۷۱۶ قمری که نام خلفای راشدین در آن ذکر شده باشد وجود ندارد. حتی بر فرض وجود سکه‌هایی به نام خلفای راشدین، همان‌طور که می‌دانیم ایلخانان ایران تعصب دینی تندی نداشتند و ما در کتیبه‌های بناهای باقی‌مانده از عهد آنان حتی در بناهای عهد اولجایتو نام خلفای راشدین را می‌بینیم.

لقاب به کاررفته برای اولجایتو در این سکه‌ها عبارت‌اند از: السلطان الاعظم، غیاث‌الدینا و الدین، خدابنده محمد، مالک‌الرقاب و الامم، عزالدین و بهادر. در مورد این القاب، گفتنی است که هیچ‌کدام از ایلخانان پیش از او، این تعداد القاب در سکه‌ها برای خود ذکر نکرده‌اند. نکته جالب دیگر وجود لقب بهادر در میان القاب اوست درحالی که گفته می‌شود این لقب مخصوص پسرش ابوسعید است. همان‌طور که می‌دانیم یکی از القاب اولجایتو خدابنده است. اینکه این لقب کی و به چه مناسبتی به اولجایتو داده شده معلوم نیست. عباس اقبال در این باره می‌گوید که سلطان اولجایتو را شیعیان به علت شیعه‌دوستی خدابنده و اهل تسنن دقیقاً به همین جهت و از روی کینه خربنده نام نهاده‌اند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۷: ۳۱۹). این ادعای عباس اقبال نیز محل نقد دارد، زیرا رشیدالدین در ذکر وقایع عهد غازان، به‌ویژه در ذکر وقایع مربوط به تعیین اولجایتو به ولایتعهدی غازان او را خربنده می‌نامد (رشیدالدین، ۱۳۹۴: ۱۱۲۲/۲) و از طرفی نمی‌توان باور کرد که رشیدالدین که وزارت خود را مدیون غازان و اولجایتو است و کتاب خود را به نام اولجایتو می‌نویسد این قدر بی‌محابا عمل نماید که اولجایتو را بدین سبب خربنده بخواند. نکته دیگر در مورد القاب اولجایتو القاب دینی اوست. اگر در زمان غازان القاب دینی بر پشت سکه‌ها ضرب می‌شد، در عهد اولجایتو، این القاب

که شامل غیاث‌الدین، عزالدین و خدابنده است بر روی سکه آمده‌است که حاکی از تعمیق اعتقادات دینی در ذهن اولجایتو نسبت به زمان غازان است (تصویر ۲۷).



تصویر ۲۶. سکه دوره اولجایتو (بیات، ۱۴۰۰: ۱۹۲)

در کل می‌توان گفت در دوره اولجایتو شعائر درج‌شده بر روی سکه‌ها از حالت ثابت سابق خارج و شکل کامل‌تری گرفت و شعائر دینی بیشتری در آن ضرب شد.

۹. ابوسعید

ابوسعید، فرزند اولجایتو نهمین ایلخان ایران است. او دو حاصل عمر پدر، یعنی سلطانیه و رسمیت یافتن تشیع را نادیده گرفت و روش جدیدی برای خود در پیش گرفت. ابوسعید به جای سلطانیه بار دیگر پایتخت را به تبریز بازگرداند و بدین‌وسیله زمینه افول اعتبار سلطانیه از جایگاه پایتختی را مهیا کرد. دوم اینکه او شیعی‌گری پدر را کنار گذاشت و شعارهای ضرب‌شده بر روی سکه‌ها را به روال سابق برگرداند؛ یعنی اسامی ۱۲ امام شیعه و یا شعار علی ولی‌الله را حذف و به جای آن نام خلفای راشدین را جایگزین کرد. جالب اینکه وی این کار را در همان سال مرگ پدر انجام داد (نک. تصویر ۲۸). با وجود این سلطانیه در زمان او و حتی بعد از او همچنان به‌عنوان دارالضرب باقی ماند (تصویر ۲۹).



تصویر ۲۷. سکه دوره ابوسعید (بیات، ۱۴۰۰: ۱۹۸)
متن پشت سکه: لا اله الا الله محمد رسول الله (ضرب شیراز در میان متن)؛ حاشیه: ابوبکر،
عمر، عثمان، علی



تصویر ۲۸. سکه دوره ابوسعید، ضرب سلطانیه (بیات، ۱۴۰۰: ۲۹۴)

دانسته‌است که یکی از اقدامات اولجایتو لشکرکشی به گیلان بود. علت لشکرکشی به گیلان براساس گزارش کاشانی، سخنان ردوبدل شده بین امرای محلی گیلان بود که می‌گفتند چگونه پادشاه داعیه تصرف شام و مصر دارد که در داخل مملکت خود نتوانسته گیلان را تصرف کند. با وجود بزرگ‌نمایی‌ای که در فتح گیلان شد واقعیت این است که اولجایتو فقط توانست حاکم لاهیجان را که شخصی به نام «نوباوه» بود شکست دهد و آنجا را تصرف کند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۶۲ و ۵۵) و در بقیه مناطق به‌ویژه رشت شکست خورد. این پیروزی و دامنه آن که فقط به لاهیجان محدود می‌شد در سکه‌های عهد ابوسعید منعکس است. پیش از دوره ابوسعید، هیچ سکه‌ای در گیلان به نام ایلخانان ضرب نشده‌است ولی در عهد ابوسعید فقط در سکه‌های ضرب لاهیجان نام ابوسعید آمده‌است (تصویر ۳۰).



تصویر ۲۹. سکه دوره ابوسعید، ضرب لاهیجان در متن پشت سکه (بیات، ۱۴۰۰: ۲۷۰)

دوره حکومت ابوسعید در روابط خارجی، دوره تجدید ادعای اولوس جغتای بر خراسان و اردوی زرین به قفقاز و آذربایجان است که تا ابوسعید زنده بود نگذاشت این دسترسی امکان پیدا کند. جالب است در سکه‌های موزه‌های مورد مطالعه هیچ سکه‌ای در حوزه قفقاز ضرب نشده است. در داخل، یکی از کارهای ابوسعید، قتل خواجه رشیدالدین وزیر نامی ایران و صاحب کتاب جامع/تواریخ است. او در دوره حیات سیاسی خود مصدر چندین خدمت شاخص شد که یکی از آن‌ها ساخت شهرک دانشگاهی و فنی ربع رشیدی است. این شهر که در حوالی تبریز بنا شده بود چنان اهمیتی یافت که دارالضرب شد (سرفراز، ۱۳۸۰: ۲۱۷).



تصویر ۳۰. سکه دوره ارغون، ضرب اردو بازار (بیات، ۱۴۰۰: ۱۱۴)

تردید در برخی باورهای مطالعات پیشین

در پایان با مطالعه سکه‌های ایلخانی این موزه‌ها برخی ادعاهای سابق پژوهشگران این عرصه نیز با تردید مواجه می‌شود. برای نمونه سید جمال ترابی طباطبائی که در ایران

نخستین مطالعات جدی را روی سکه‌های ایلخانی انجام داده در سال ۱۳۴۷ش با توجه به سکه‌هایی که در اختیار داشته، نوشته‌است که «جمله خلدالله ملکه یا سلطانه یا خلافته و یا دولته از زمان غازان به این طرف در سکه‌های ایلخانی ظاهر شد» (ترابی طباطبائی، ۱۳۴۷: ۳۳). درحالی که از همان زمان هولاکو سکه‌هایی وجود دارند که این شعار روی آن نقش بسته‌است با این توضیح که در سکه‌های ضرب شده عهد هولاکو «خلد ملکه‌ها» آمده‌است ولی از عهد اباقا «خلد الله ملکه» در اغلب سکه‌ها وجود دارد (رک. تصویر ۵).

همچنین اشیپولر می‌نویسد که هلاکو در دوران زمامداری منکو خود را «خان» و در زمان قوییلای «ایلخان المعظم» می‌نامید (اشپولر، ۱۳۹۷: ۲۷۲-۲۷۳). درحالی که مطابق سکه‌های مورد مطالعه، هولاکو از همان سال ۵۴۴ق که نخستین سکه‌ها به نامش ضرب شد خود را ایلخان المعظم نامید (رک. تصویر ۲) و اتفاقاً در برخی سکه‌های بعد از مرگ منکو است که خود را خان می‌نامد (تصویر ۱).

شیرین بیانی در فصل دوم از کتاب خود، ذیل عنوان کشمکش بر سر قدرت مسلمانی اولین سلطان ایلخانی، می‌نویسد عناصر ایرانی پس از مرگ اباقا، برادرش تگودار را به سلطنت برداشته و به او لقب «سلطان» را که لقب پادشاهان ایرانی بود دادند (بیانی، ۱۳۷۱: ۴۱۱/۲). این مطلب بیانی موجب شد برخی تصور کنند که او لقب ایلخان را کنار گذاشته و لقب سلطان را که لقب شاهان ایران بود برای خود برگزیده‌است. واقعیت آن است که در تمام سکه‌های ضرب احمد، بر روی سکه لقب ایلخان المعظم آمده‌است فقط در پشت سکه‌های او بعد از لاله الا الله محمد رسول الله، عبارت السلطان احمد ذکر کرده‌است، بنابراین این گزاره که او عنوان ایلخان را کنار گذاشته و سلطان را انتخاب کرده، درست نیست. اصولاً اگر لقب سلطان را نشان ایرانی‌گرایی احمد بدانیم خیلی پیش از او، هولاکو در روی سکه، خود را پادشاه جهان نامید (تصویر ۳۲) و واژه پادشاه ایرانی‌تر از سلطان است. زیرا سلطان با ریشه عربی از عهد حکومت‌های ترک در ایران مرسوم شد.



تصویر ۳۱. سکه دوره هولاکو (بیات، ۱۴۰۰: ۲۶)

نتیجه

براساس آنچه آمد ایلخانان تغییر محسوسی در شعائر ضرب سکه رایج در میان مسلمانان انجام ندادند و تقریباً همان رویه را که مبتنی بر درج نام پادشاه زمان بر روی سکه و شهادتین در پشت آن بود ادامه دادند. تنها تغییر ایجادشده ظهور زبان اویغوری و از عهد غازان، چینی در سکه‌های این دوره است. براساس این مقاله، مبتکر حذف نام قآن از سکه‌ها، غازان نبوده بلکه این روند از عهد هولاکو با یک شیب ملایم آغاز شده بود و غازان درواقع آخرین حلقه آن را کامل کرد. همچنین براساس سکه‌های بررسی‌شده اولجایتو بعد از اعلام مذهب شیعه از این مذهب برنگشته و تا آخرین سال حیات، سکه‌های ضرب‌شده او حاوی شعائر شیعی هستند.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۴۶). *تحریر تاریخ وصاف*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن بطوطه (۱۴۰۷ق). *رحله*، به کوشش محمد عبدالمنعم عربان. بیروت: بی‌نا.
- اشیولر، برتولد (۱۳۹۷). *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه محمود میرآفتاب. تهران: علمی و فرهنگی.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۶۵). *تاریخ مغول (از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری)*، تهران: امیرکبیر.
- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۷). *تاریخ مغول*، تهران: نگاه.
- بارتولد، واسیلی (۱۳۷۶). *تاریخ ترک‌های آسیای میانه*، ترجمه غفار حسینی. تهران: توس.
- بیات، مسعود (۱۴۰۰). *سکه‌های ایلخانی*، تهران: وزرات امور خارجه.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت در ایران عهد مغول*، جلد دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۹۰). *تاریخ سیاسی شیعیان اثنی‌عشری در ایران (از ورود مسلمانان به ایران تا تشکیل حکومت صفویه)*، تهران: شیعه‌شناسی.
- جوینی، عطاملک (۱۳۸۴). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی، تهران: دستان.
- زرکوب‌شیرازی، احمد بن شهاب‌الدین (۱۳۵۰). *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظ‌جوادی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- سرفراز، علی‌اکبر، و آورزمانی، فریدون (۱۳۸۰). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد (۱۳۷۶). *مجمع‌الأنساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.

- شریده، ایمن ابراهیم (۱۳۸۴). *روابط سیاسی ایران عهد تیموریان با مصر و شامات عهد ممالیک*، تهران: وزارت امور خارجه.
- رشیدالدین فضل‌الله (۱۳۹۴). *جامع‌التواریخ*، به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، جلد دوم، تهران: میراث مکتوب.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۹۱). *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کریستی، آنتونی (۱۳۷۳). *اساطیر چین*، ترجمه محمدحسین باجلان‌فرخی، تهران: اساطیر.
- منشی‌کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). *سمط‌العلی للحضرة العلیا*، تصحیح عباس اقبال‌آشتیانی، تهران: اساطیر.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره‌الانبیاء و الملوک و الخلفاء*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر، جلد پنجم، تهران: اساطیر.
- وصاف، شهاب‌الدین (۱۲۶۹ق). *تاریخ وصاف*، بمبئی: بی‌نا.
- وصاف‌الحضرة شیرازی، شهاب‌الدین (۱۳۳۸). *تجزیه‌الامصار و تزجیه‌الاعصار*، بمبئی: بی‌نا.

مقاله‌ها

- بته‌کن، علی (۱۳۹۹). بش خاتون، *دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، جلد دوم، تهران: مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی.
- بیروتی، شهره؛ گودرزپروری، پرناز؛ باقری‌گرمارودی، امیر و حاتم، غلام‌علی (۱۴۰۰). تحلیل نماد پرنده در سکه‌های دوره ایلخانی از منظر گفتمان مذهب براساس الگوی اروین پانوفسکی، *مطالعات هنر اسلامی*، ۱۷(۴۳)، ۴۳-۵۹. Doi: 10.22034/IAS
- ترابی طباطبایی، جمال‌الدین (۱۳۴۷). سکه‌های اسلامی دوره ایلخانی و گورکانی، *نشریه شماره ۳*، تبریز: موزه آذربایجان.
- ترابی طباطبایی، سیدجمال (۱۳۵۳). سکه‌هایی متنوع از اباق‌آن، *بررسی‌های تاریخی*، ۶، ۱۷۷-۱۸۶.

- دلیر، نیره و خلیفه، مجتبی (۱۴۰۲). مسئله و مبنای مشروعیت‌یابی ایلخانان براساس شواهد سکه‌شناسی با تأکید بر آیه ۲۶ سورة آل عمران، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۴ (۳۷)، ۷۹-۱۰۲.
Doi: 10.22034/JIIPH.2023.54964.2414
- رنجبر، پروین (۱۳۹۱). درآمدی بر نقش‌مایه طاووس در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، *فقه و تاریخ تمدن*، ۶ (۲)، ۴۲-۴۷.
- روستا، جمشید و پورمهدی‌زاده، سحر (۱۳۹۵). تحلیلی بر روابط سیاسی قراختاییان کرمان با مغولان و حکومت ایلخانی، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، ۸ (۱)، ۵۷-۷۶.
- سرافرازی، عباس (۱۳۸۹). گرایش‌های سیاسی، مذهبی ایلخانان براساس مسکوکات ایلخانی ۷۵۶-۶۵۱ ه.ق، *پژوهش‌های تاریخی*، ۲ (۱)، ۴۷-۶۶.
- فیضی، فرزاد؛ شهبازی‌شیران، حبیب و حاجی‌زاده، کریم (۱۴۰۱). برهم‌کنش و روابط معنایی رمزگان‌های مشروعیت‌بخش در عناصر بصری سکه‌های ایلخانی با اتکا بر رویکردهای نشانه‌شناسی، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، ۱۳ (۳۰)، ۱۱۵-۱۴۰.
Doi: 10.22034/JIIPH.2021.44890.2179

ب) منابع انگلیسی

- Diler, Ömer (2006). *Ilkhans: Coinage of the Persian Mongols*, Istanbul.